مردم پای کار مبارزه با بی‌حجابی

مسئولان مشغول پز روشنفکری!

عباس شمسعلی

فرهنگ و آداب و رسوم جاری در جامعه اسلامی که بر پایه اعتقادات و ارزش‌های دینی و اعتقادی شکل گرفته‌اند، همواره مورد طمع دشمنان برای ضربه زدن به یک نظام اسلامی و پایبند به اصول و ارزش‌ها بوده است.

در طول تاریخ به ویژه قرن اخیر، کشورهای استکباری و زورگو برای تسلط بر کشورهای اسلامی بیش از هرجای دیگری به مشکل خورده‌اند. علت این امر اعتقادات مردم و باورهای دینی آنها بوده است که هرگز اجازه تسلط بیگانه را بر جان و مال و ناموس و وطن خود نمی‌داده‌اند. اما دشمن برای تسلیم مردم در این جوامع و رسیدن به خواسته‌های شوم خود بیکار ننشسته است. یکی از مهم‌ترین روش‌های ضربه زدن به باورها و اعتقادات مردم در جوامع اسلامی که با هدف تسلط بر این کشورها به کار گرفته شده است، ترویج بی‌بند و باری و سست کردن اعتقادات جوانان و مردم به ویژه از طریق مبارزه با حجاب اسلامی بوده است.

دشمن به درستی به این اصل پی برده است که سست شدن حجاب و هجمه به عفاف جامعه می‌تواند به عنوان پنجره ورود و رسوخ برای تخریب اعتقادات و فرهنگ یک جامعه اسلامی عمل کند چرا که آسیب به فرهنگ عفاف و حجاب به دنبال خود رواج بی‌بند و باری، سرگرم کردن جوانان به عنوان نیرو و سرمایه موثر یک کشور به لذایذ و شهوت پرستی و عملا از کار انداختن نیروی مهم جوانان، لطمه خوردن جدی به کانون خانواده و جامعه و بسیاری از مشکلات و ناهنجاری‌های اجتماعی و فرهنگی دیگر را در پی دارد.

تلاش مردم ایران برای حفظ گوهر حجاب

مردم ایران در طول سال‌های طولانی نسبت به حفظ حجاب و عفاف در جامعه مقید بوده و حتی دوران کشف حجاب و خفقان پهلوی اول و رواج بی‌بند و باری در جامعه در زمان پهلوی دوم نیز نتوانست حجاب اسلامی را از زنان ایرانی بگیرد، هرچند این سیاست‌های خبیثانه لطمه‌هایی به اعتقادات برخی وارد آورد و باعث رواج بی‌حجابی شد.

در طول سال‌های پس از انقلاب به ویژه دوران پس از جنگ که دشمن یقین پیدا کرد با جنگ نظامی نمی‌تواند نظام جمهوری اسلامی را به زانو درآورد، شاهد تهاجم فرهنگی دشمن از طرق مختلف برای رسوخ در اعتقادات جوانان این مرز و بوم بوده‌ایم که این امر در سال‌های اخیر با گسترش روز افزون فضای مجازی و شبکه‌های ماهواره‌ای و... به طور محسوسی افزایش نیز یافته است.

متاسفانه نگاهی به سطح شهرهای کشور به ویژه تهران نشان‌دهنده رواج بی‌حجابی و افزایش حضور زنان و دختران بدحجاب یا بی‌حجاب در جای جای شهرها است، موضوعی که بارها هشدار دلسوزان و کارشناسان را در پی داشته است چرا که این معضل اجتماعی و فرهنگی در حال لطمه زدن به جوانان، خانواده‌ها و نسل آینده این سرزمین است. البته وجود انبوه بی‌شمار زنان و دختران محجبه که با اعتقاد راسخ به حجاب اسلامی و با احترام به گوهر وجودی خود در تمام عرصه‌های اجتماعی از جمله دانشگاه، ادارات و... پرچمدار ارزش‌های اسلامی هستند بسیار دلگرم‌کننده و با ارزش است اما نباید از تهدید رواج بی‌حجابی در جامعه غافل شد.

کار فرهنگی بهانه‌ای برای فرار از مسئولیت

در این بین برخی معتقد به برخورد جدی با رواج بی‌حجابی و مصادیق بی‌حیایی در جامعه هستند، برخی معتقد به انجام کار ریشه‌ای و فرهنگ‌سازی بوده و برخی نیز علیرغم داشتن وظیفه قانونی ترجیح می‌دهند وارد این موضوعات نشوند و با ژست روشنفکرانه از کنار این تهدید آسیب زا بگذرند.

متاسفانه رواج روز افزون بی‌حجابی این روزها داد خانواده‌ها را نیز درآورده است. بسیاری از خانواده‌ها با اعتراض به سکوت مبهم مسئولان فرهنگی و اجتماعی و نهادهای مرتبط با موضوع خواستار در پیش گرفتن راهکارهایی برای مقابله با هجمه دشمن در زمینه عفت زدایی از جامعه اسلامی هستند.

با وجود اینکه سال‌هاست مسئله رواج بی‌حجابی جامعه ما را تهدید می‌کند اما تا کنون شیوه و روش مشخص و کارشناسی شده‌ای برای مقابله با این موضوع در بین مسئولان امر به چشم نمی‌خورد. متاسفانه نه آن دسته از مسئولانی که معتقد به کار فرهنگی برای مبارزه با بی‌حجابی هستند برنامه و کاری مشخص در کارنامه دارند، نه آنها که معتقد به برخوردهای بازدارنده هستند جز برخی روش‌های مقطعی و نیم بند، کاری از پیش برده‌اند. البته در رابطه با مبارزه با رواج بی‌حجابی بیش از ۲۰ دستگاه و سازمان مختلف طبق قانون وظیفه دارند اما تقریبا اکثریت آنها در این زمینه کار را رها کرده‌اند.

مردم جور مسئولان را می‌کشند

اما در این بین مردم دیندار و معتقد به ارزش‌ها باز هم جور کم کاری مسئولان سردرگم را می‌کشند.

مردم و گروه‌های مردمی اعم از مساجد، گروه‌های جهادی، فعالان فضای مجازی و... با دیدن کم کاری و رخوت مسئولان امر خود دست به کار کارهای فرهنگی برای ترویج حجاب اسلامی شده و با ابتکارات و برنامه‌های مختلف در جهادی مقدس و قابل تقدیر دست به کارهای بزرگ و موثری زده‌اند.

در بعد دیگر مردم دیندار دست از مقوله مهم و ارزشمند امر به معروف و نهی از منکر برنداشته و هر چند این روزها عمل به این فریضه واجب سخت شده اما در برخورد با زنان و دخترانی که شاید بدون عناد و از روی غفلت پا بر روی هنجارهای جامعه اسلامی گذاشته‌اند خیرخواهانه برخورد می‌کنند.

نکته مهم دیگر این است که متاسفانه موضوع برخی از افراد بی‌حجاب یا مروجان بی‌حجابی دیگر غفلت نیست و با هدف و عناد عامدانه برای مقابله با ارزش‌های اسلامی در تلاشند. طبیعی است اینجا دیگر وظیفه مسئولان مربوطه است که در برابر این توطئه‌های برنامه‌ریزی شده بایستند.

یک نمونه عینی
از بی‌پروا شدن بی‌حجابان

گفتیم که مردم دغدغه مند نمی‌توانند نسبت به هتک حرمت ارزش‌های جامعه بی‌تفاوت باشند و حتی در مواقعی در این راه آسیب‌هایی نیز دیده‌اند.

در یک نمونه عینی که در روزهای گذشته به وقوع پیوسته است و اخبار آن در اختیار کیهان قرار گرفت یکی از خانواده‌های دیندار جامعه در سفری که داشته‌اند به علت تلاش برای جلوگیری از رواج بی‌بند و باری و بی‌حجابی دچار مشکلاتی شدند. ماجرا از این قرار است که این خانواده در سفر به همدان در هنگام توقف در پمپ بنزین متوجه می‌شوند در یکی از خودروهای کناری خانمی بدون رعایت شئونات اسلامی و بدون حجاب و البته وضعی زننده داخل خودرو نشسته است و خانمی دیگر با وضع مشابه در حال زدن بنزین است.

دیدن این صحنه‌های ناخوشایند باعث می‌شود این خانواده برای جلوگیری از این وضعیت نامناسب بدون درگیری با این افراد به طور نامحسوس شماره پلاک خودروی این افراد متخلف را برداشته تا به پلیس اطلاع دهند و از این طریق مانع تردد این خانم‌ها با وضع زننده پوششی و رفتاری شوند. در این بین این افراد که متوجه موضوع می‌شوند با حمله به این خانواده و وارد کردن صدمه به خودروی آنها متاسفانه با جسارت تمام مشغول ضرب و شتم خانم محجبه شده و پس از آسیب زدن به چادر وی وحشیانه تلاش می‌کنند لباس‌های این خانم را نیز از تنش خارج کنند که با تلاش و مقاومت این خانم و همسرش موفق به عملی کردن نیت پلید خود نمی‌شوند. پس از این ماجرا و ورود پلیس خوشبختانه مقصر حمله به این خانواده که به طور صریح قوانین کشور برای رعایت حجاب را زیر پا گذاشته بودند علیرغم انکار ماجرا، از طریق بازبینی دوربین‌های جایگاه بنزین، با پیگیری و رفتار مناسب و حرفه‌ای پلیس و عوامل قضائی محکوم می‌شوند که جای تقدیر دارد.

حال سؤال اینجاست که چه چیزی باعث شده است چنین افرادی به خود اجازه بدهند بدون مزاحمت با بدترین ظاهر و پوشش در سطح جامعه اسلامی حاضر شده و حتی در برابر اعتراض و ناخشنودی شهروندان دیندار با پررویی به جان آنها بیافتند.

به راستی مسئولان خواب زده یا غافل که وظیفه رسیدگی به دغدغه چندین ساله مردم مومن درباره بی‌حجابی را دارند عملا کجای کار هستند و چرا مثل همیشه این مردم هستند که باید جور کم کاری مسئولان را بکشند و در برابر ناهنجاری‌ها بایستند حتی اگر صدمه و خسارت ببینند؟ آیا در یک حکومت اسلامی برخورد با مصادیق دهن کجی به ارزش‌ها و دین جزء وظایف مسئولان نیست؟

کدام کار فرهنگی؟

بارها گفته شده است که مقوله حجاب با بگیر و ببند حل نمی‌شود و نیازمند کار فرهنگی است، قبول، حال گویندگان این جمله‌های خوش آب و رنگ توضیح دهند پس از چند دهه از انقلاب اسلامی کدام کار فرهنگی موثر و دور از کلیشه و رفع تکلیف در حوزه حجاب و عفاف توسط مسئولان امر انجام شده است؟

به طور مثال خروجی دانش‌آموزانی که حد اقل ۱۲ سال در اختیار نظام آموزشی جمهوری اسلامی هستند تا چه اندازه مطابق با ارزش‌های اسلامی است؟ آیا اساسا این روزها در مدارس کشور دغدغه اصلی سمپاد و کنکور و تست زنی است یا محجبه شدن دختران و عفیف بار آمدن پسران؟

حمایت معاون امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری از یک رقاص به جای فرهنگ‌سازی برای حجاب

در هفته عفاف و حجاب که پشت سر گذاشتیم بسیاری از مردم و تشکل‌های فرهنگی مذهبی همچون دیگر ایام سال برای گسترش فرهنگ عفاف و حجاب مشغول تلاش بودند و حتی در این اوضاع اقتصادی از جیب خود برای فرهنگ‌سازی این امر مقدس،هزینه می‌کنند، اما در این میان جای خالی برنامه، اظهار نظر، ارائه گزارش و یا حتی توییتی در مورد عفاف و حجاب از سوی معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری به عنوان متولی اصلی این حوزه در این ایام و مناسبت خاص به شدت خودنمایی می‌کرد. پایگاه خبری معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری که سخنان و برنامه‌های معصومه ابتکار را پوشش می‌دهد نیز هیچ خبری مرتبط با موضوع عفاف و حجاب پوشش نمی‌دهد؟ نکته جالب توییت‌های خانم ابتکار متولی اصلی حوزه زنان در کشور در روز عفاف و حجاب این است که وی در روز ۲۱ تیرماه (روز عفاف و حجاب) نه تنها توجهی به موضوع عفاف و حجاب ندارد بلکه نقطه مقابل آن یعنی دفاع از رقاص اینستاگرامی را با ریتوییت خود پررنگ کرده است.

در همین زمینه فرشته روح‌افزا فعال حوزه زنان و مدیر رصد و آمار شورای فرهنگی اجتماعی زنان در گفت‌وگو با فارس درخصوص بایکوت روز عفاف و حجاب توسط معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری این مسئله را ناشی از بی‌توجهی این معاونت به مسئله مهم عفاف و حجاب دانست و گفت: عدم اهتمام معاونت زنان در مسئله حجاب جای سؤال و تعجب است، معاونتی که وظایف مهمی در این حوزه دارد ظاهراً مسئله حجاب عملاً برایش اهمیتی ندارد.

وی افزود: معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری به جای آنکه در هفته عفاف و حجاب برنامه‌ای برای این مسئله مهم برگزار کند، پای بیخیالی را فراتر گذاشته و روی نقطه مقابل آن یعنی حمایت از یک رقاص نوجوان مانور می‌دهد.

مینو اصلانی مسئول سازمان بسیج زنان کشور نیز اظهار داشت: فعالیت در حوزه عفاف و حجاب بیشتر به سمت کارهای فرهنگی تشکل‌های مردمی هدایت شده و متولیان اصلی که تکلیف قانونی برای انجام فعالیت در این زمینه دارند در موضع انفعال هستند.

وی افزود: اصلاح بدپوششی و تبیین و تعمیق عفاف در جامعه به یک مطالبه عمومی است اما متأسفانه توجه لازم به آن وجود ندارد.

تحلیل دادستان کل کشور
از برخورد قضایی با موضوع حجاب

در همین زمینه دادستان کل کشوردر روزهای گذشته درباره رواج بدحجابی در جامعه گفت: بسیاری از بدحجاب‌ها فرهنگ خانوادگیشان چنین است که بدحجاب ظاهر می شوند و بدحجابی را بد نمی‌دانند. عده‌ای از بدحجاب‌ها اعتقادی به اسلام ندارند، لائیک هستند و یا مذاهب دیگری دارند اما عده کمی هم هستند که با قصد دهن کجی به ارزش‌های دین و احکام اسلام این کار را می‌کنند.

حجت‌الاسلام منتظری افزود: اگر نیروی انتظامی بخواهد همه بدحجاب‌ها را بگیرد علیه نظام و اسلام جوسازی‌های گسترده ایجاد می‌شود. مقصر بدحجابی آموزش و پرورش، روحانیت، آموزش عالی، دانشگاه‌ها و همه ما هستیم.هم‌اکنون ستاد امر به معروف، سپاه پاسداران و نیروی انتظامی اقداماتی را انجام می‌دهند که بدحجابی را سر و سامان دهند اما باید بدانیم برخورد خشن با بدحجابی قطعا جواب نمی دهد.

البته باید از این مسئول محترم پرسید اگر بی‌حجابی برخی به علت فرهنگ خانوادگی است و برخی از روی عناد، چرا حداقل به درستی با این معاندان برخورد نمی‌شود؟ چرا قوانین بازدارنده‌ای که مانع تکرار این تخلف می‌شود به کار گرفته نمی‌شود؟ آیا ترس از اینکه جو سازی علیه نظام صورت گیرد باید مانع انجام وظیفه دستگاه قضا شود؟ اگر برخورد با مفسدان اقتصادی یا جاسوسان و... نیز باعث جوسازی دشمن علیه نظام شود باید آن را ترک کرد؟

نکته پایانی

در پایان بر این نکته تاکید می‌شود که علیرغم اعتقاد و باور قلبی به نیازمند بودن مقوله حجاب به کار فرهنگی صحیح و درست توسط همه نهادهای مسئول و موثر بودن آن، نباید از خواسته مردم نگران اوضاع فرهنگی جامعه چشم پوشی کرد و اگر کسانی با عناد و به قصد ایستادن در برابر ارزش‌ها اقدام به تبرج و خودنمایی و ترویج بی‌حجابی و بی‌بند و باری در جامعه می‌کنند در صورت تکرار و اصرار بر رفتار غلطشان باید با آنها برخورد شود. باید همچنان‌که در برخورد با یک سارق یا خلافکار جدیت به خرج داده می‌شود با کسانی که قصد لطمه به ارزش‌های جامعه را دارند نیز برخورد شود. مگر نه اینکه با کسی که از چراغ قرمز عبور می‌کند با وجود لازم بودن کار فرهنگی در این زمینه به علت اینکه این کار برای خود او و دیگران خطرناک است برخورد قانونی می‌شود، پس چرا در برخورد با کسانی که خطوط قرمز فرهنگی کشور را زیر پا می‌گذارند این همه تعلل می‌شود؟ فراموش نکنیم که دشمن با همه ابزار و عوامل خود همزمان با جنگ اقتصادی به شدت در تهاجم فرهنگی علیه کشورمان نیز فعال است و غفلت از این جبهه مهم از سوی مسئولان پذیرفتنی نخواهد بود.

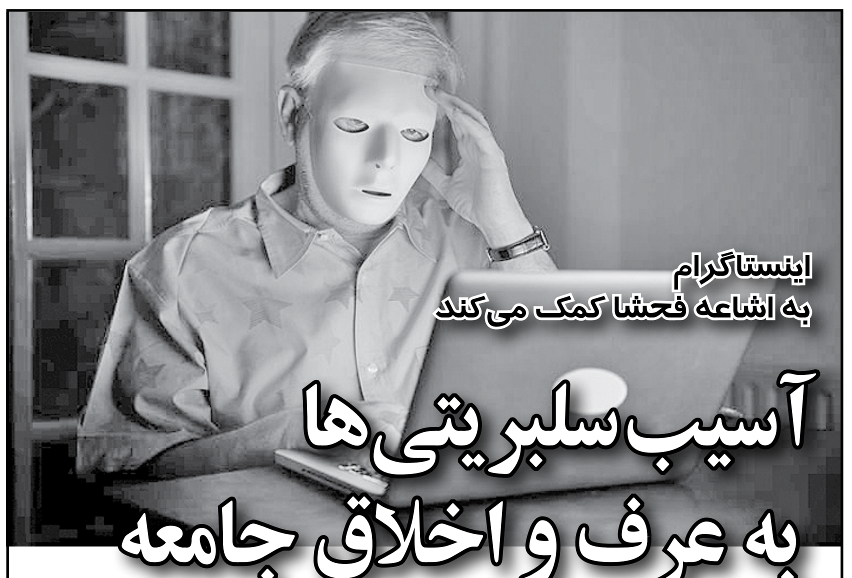

اینستاگرام
به اشاعه فحشا کمک می‌کند

آسیب سلبریتی‌ها به عرف و اخلاق جامعه

یک کارشناس فضای مجازی گفت: اینستاگرام قطعاً آثار مخربی صدها برابر بیشتر از هر فضای مجازی دیگر دارد، فضای اینستاگرام به حدی کثیف است که امکان ندارد فردی وارد این فضا شود و محتوای غیراخلاقی و مستهجن آن را نبیند.

روح‌اله مومن‌نسب به فارس گفت: فضای مجازی به جهت اینکه در هر مکان و زمانی با ما حضور دارد و عموماً ارتباطات ما در فضای مجازی شکل می‌گیرد، نقش تعیین‌کننده‌ای بر تغییر سبک زندگی ما دارد و قطعاً یک بخش مهمی از آن مربوط به موضوع حجاب، عفاف و حیا در جامعه است.

مومن‌نسب با بیان اینکه متأسفانه با فضاهای مجازی دچار تحولات فرهنگی نامناسبی شده‌ایم، افزود: اکثر نرم‌افزارهایی که ما استفاده می‌کنیم تولید کشورهای غربی است و در کشورهای غربی هم مسئله حجاب، عفاف و حیا خیلی اهمیت ندارد، اما در فرهنگ ما حجاب و عفاف جایگاه ویژه‌ای دارد و درنتیجه وقتی ما در فضای مجازی با همان سبک زندگی فعالیت و زندگی کنیم، آرام‌آرام تغییرات را می‌پذیریم.

وی با بیان اینکه اینستاگرام اساساً امروز به فضایی برای کنش‌ها و واکنش‌های سیاسی و محلی برای اشاعه فحشا تبدیل شده است، بیان کرد: این نرم‌افزارها و بدافزارها طوری طراحی‌شده‌اند که فرد برای اینکه بیشتر مورد توجه قرار گیرد و بیشتر دیده شود، دست به‌کارها و رفتارهایی برای تأییدگیری بیشتری می‌زند، به طور مثال از تصاویری استفاده می‌کند که بیشتر دیده شود و اصطلاحا لایک و فالوور بیشتری دریافت کند.

مومن‌نسب با اشاره به اینکه اینستاگرام مشخصاً حجاب، عفاف و حیای افراد را هدف قرار داده است، گفت: فردی را می‌شناسم که تا یک ماه گذشته مفاهیم ارزشی در پروفایل‌هایش دیده می‌شد و مشخصاً حیا را رعایت می‌کرد، اما با ورود به فضای مذکور، آرام‌آرام تغییر کرد و به بی‌حیایی مفرط رسید. از این گونه نمونه‌ها در شبکه‌هایی مثل اینستاگرام و تلگرام زیاد دیده‌شده است و به وضوح می‌توان دید که دشمن مهاجمانه چیزی را که می‌خواهد و او را به هدف می‌رساند، در قالب یک نرم‌افزار تحمیلی با نشانه گرفتن فرهنگ ما دنبال می‌کند.

این کارشناس فضای مجازی افزود: بدخواهان و دشمنان انقلاب اسلامی، جنگ نرم خود را با نظام اسلامی ایران در زمینه ترویج بی‌بندوباری که در غرب معمول است آغاز و تا اینجا دنبال کردند، حالا باید ببینیم چقدر جای متخصصانی که می‌توانند طراح نرم‌افزارهای متناسب با فرهنگ اسلامی کشورمان باشند، خالی است و توسط متولیان فرهنگ حمایت شده‌اند.

مومن‌نسب ادامه داد: خیلی زودتر از اینها باید نرم‌افزارهای داخلی را راه‌اندازی می‌کردیم و با جهاد اقناعی، سدی در مقابل حمله مهاجمانه فرهنگی دشمن می‌ساختیم، البته مسیر قانع کردن افراد در این بخش باید تواضعی باشد نه انفعالی و اجباری.

وی با بیان اینکه چاره دیگر محافظت از سلامت فضای جامعه، تولید محتوای فرهنگی خلاقانه و اثرگذار است، اظهار داشت: ما در تولید و توزیع اطلاعات میان فضای مجازی مشکل‌داریم، بعضی محتواها خوب تولید نشده، اما خوب توزیع شده است و برعکس بعضی محتواها نیز خوب تولید شده، اما خوب توزیع و منتشر نشده است، همچنین گاهی اوقات محتوای غنی و مناسب تولید می‌شود و بین افراد همسو منتشر می‌شود، مثلاً محتوای حجاب بین افراد محجبه توزیع می‌شود، بنابراین نتیجه خوبی دریافت نمی‌کنیم و محتوا نه دیده می‌شود و نه تأثیرگذار است.

این کارشناس و تحلیلگر مسائل اجتماعی یادآور شد: متولیان،کارشناسان و دغدغه‌داران که پای در این راه می‌گذارند باید ابتدا، هدف را نشانه گرفته و متناسب با ذائقه مخاطب محتوای خلاقانه تولید کنند، به طور مثال باید فلسفه حجاب توسعه پیدا کند و دیده شود، مردم بدانند که چرا باید حجاب داشته باشند و اینکه حجاب و عفاف تنها مخصوص بانوان نیست و آقایان نیز باید حجاب و عفاف را در حوزه خود، دارا باشند و رعایت کنند، بنابراین باید محتوای چیزی که ساخته می‌شود قابل‌قبول و اقناع‌کننده باشد.

مومن‌نسب، ایران را دارای فرهنگ چند هزار ساله دانست و تصریح کرد: در هیچ کجای دنیا فرهنگی به غنای فرهنگ کشور ما یافت نمی‌شود، این نشان می‌دهد حجاب و عفاف در فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی یک ارزش است، بنابراین پخش تصاویر خانم‌ها و آقایان در فضای مجازی به شکل امروزی و بعضاً با محتوای اشاعه فحشا می‌تواند به نظام خانواده به شدت آسیب برساند و همه افراد خانواده از همسران، فرزندان و حتی پدران و مادران را نیز درخصوص پایبندی به چارچوب خانواده دچار تردید کند.

وی خاطرنشان کرد: فضای مجازی نظام خانواده‌ها را متزلزل می‌کند و گاهی این حریم هرچند محکم هم باشد، با فعالیت در این شبکه‌ها متلاشی می‌شود، فضای مجازی امروز به شکل خطرناکی درآمده است که اگر با آگاهی و حساب شده وارد این فضا نشویم قطعاً به بنیان خانواده جامعه ما بیشتر از این آسیب می‌رساند.

کارشناس فضای مجازی افزود: عدم امنیت محتوای خصوصی افراد در این فضا، سردی روابط بین زوجین، شک کردن زوجین نسب به یکدیگر، قیاس زوجه با زنان دیگر، درگیری ذهنی برای دل‌بستگی و پایبندی به زندگی و بالعکس، گوشه‌ای از آثار مخربی است که این فضا برای جامعه ما به ارمغان آورده است.

لطمه سلبریتی‌ها به جامعه اسلامی

مومن‌نسب تأکید کرد: سلبریتی‌های اینستاگرام با انتشار محتوای مجرمانه غیراخلاقی به نظام حجاب و عفاف به‌شدت آسیب می‌رسانند و برای عرف جامعه اسلامی ما بسیار خطرناک هستند، آنها مطالب و عکس در حالات مختلف از خودشان می‌گیرند و این تصاویر را مدام منتشر می‌کنند، درخصوص مسائل سیاسی و اجتماعی اظهارنظرهای ساختارشکنانه می‌کنند و از آنجا که الگوی جوانان و بچه‌های ما هستند، نهایتاً یک عارضه جدی و به‌هم‌ریختگی گریبان جامعه سنتی ما را می‌گیرد و سطح فرهنگ را نزول می‌دهد.

وی افزود: اینستاگرام قطعاً آثار مخربی صدها برابر بیشتر از هر فضای مجازی دیگر دارد، فضای اینستاگرام به حدی نامناسب است که امکان ندارد فردی وارد این فضا شود و محتوای غیراخلاقی و مستهجن آن را نبیند، بنابراین باید هرچه زودتر مسئولان پای در میدان مقابله و بگذارند از فروپاشی اخلاقی که دامن نسل‌های جدید را خواهد گرفت جلوگیری کنند.

درس‌های مهم فوتبالی

فرزاد میرحمیدی

بسیاری از اندیشمندان و نظریه‌پردازان- به ویژه در فلسفهٔ هرمنوتیک- زندگی را به نوعی بازی تأویل و تفسیر کرده‌اند که اگر چه قوانین و قواعد همیشگی و کم و بیش یکسان خود را دارد اما نتایج آن، هر بار می‌تواند متفاوت از بار پیش رقم بخورد و اتفاقاً همین سبب شکوفایی و لذتی می‌شود که مانند شعر شاعران بزرگ، سهل و ممتنع است. یعنی اگرچه در وهلهٔ نخست سطحی و کم اهمیت بنماید، اما در واقع عمق و ژرفایی دارد که می‌تواند اندیشه و خیال را به غور و غوصی عمیق‌تر بکشاند.

بلکه زندگی نیز در تمام ابعاد فردی و اجتماعی خود یک بازی باشد. بازی‌ای برای کسب افتخار و سربلندی. بدین معنا، همان‌گونه که زندگی زیر گنبد مینا می‌تواند بزرگ‌ترین عبرت‌آموز انسان باشد، بازی در مستطیل سبز یا همان فوتبال نیز می‌تواند درس‌هایی برای هر بازیگر و هر تماشاگر داشته باشد که احتمالاً من و شما خوانندهٔ گرامی نیز می‌توانیم یکی از آنها باشیم، به ویژه در ایام اخیر که به قول گفتنی تب فوتبال و جام جهانی نیز بالا رفته بود.

اما نخستین درس و بسا مهم‌ترین درس در این میدان می‌تواند افزایش اعتماد به نفس و رسیدن به خودباوری باشد. در مقابل حریفان و در برابر تیم‌هایی که به غول‌های فوتبال معروفند، تنها و تنها اعتماد و خودباوری است که می‌تواند قدرت دوندگی و غیرت و جنگندگی را به ساق بازیکنان و روح تیم‌های کمتر شناخته شده بدمد و برخلاف یکی از گزارشگران تلویزیون که هنوز بازی شروع نشده- دعا می‌کرد- به پایان برسد تا شاهد باخت پر گل تیم ایران نباشد، این اعتماد و خودباوری است که می‌تواند پیروزی را در میدان فوتبال و در دیگر میادین علمی، اقتصادی و... برای کشورمان به ارمغان آورد. از آنجا که ترس از رقیب و یا محو قدرت‌های نظامی و اقتصادی شدن و تن به سازش‌های ناپایداری چون برجام دادن، تنها و تنها ثمرهٔ یک چیز است و آن بی‌اعتمادی و عدم باور به خود و آرمان‌های خود است.

با این همه، اعتماد و خودباوری تنها عامل رسیدن به پیروزی و کسب افتخار نیست. عامل مهم دیگر برنامه‌ریزی و کاردانی مربیان و بازیکنان در زمین فوتبال و مدیران و مجریان در دیگر زمینه‌های اجتماعی است. عدم برنامه‌ریزی صحیح و به عبارتی باری به هر جهت بودن امور و کارها، آسیب مهلکی است که نه تنها سبب شکست و سرافکندگی می‌شود که علاوه‌بر هزینه‌های هنگفت، پشیمانی را نیز به همراه دارد.

از درس‌های مهم دیگر که می‌توان در چنین میدان‌هایی آموخت، ارزش و اهمیت اتحاد و کار تیمی است. چنانکه دیدیم تیم‌های ستاره‌داری همچون آرژانتین و پرتغال با همه ادعا و فخری که به ستارگان خود می‌کردند در برابر تیم‌هایی که اتحاد و هماهنگی تیمی بهتری داشتند همچون فرانسه و اروگوئه بازی را واگذار کردند. همانگونه که در زمان جنگ تحمیلی نیز شعار ملت حماسه ساز اتحاد بود، مطمئنا اگر به دلیل مدیریت‌های نادرست و بریز و بپاش‌های نابه جا- که به‌زعم دشمن نشانگر اختلافات و شکاف‌های داخلی در ایران است- نبود، کیسه‌دوزانی مانند ترامپ و بولتون و کاسه‌لیسانی همچون نتانیاهو، هرگز طمع آزمودن ملت ایران را به خود راه نمی‌دادند. چنانکه با اتحاد و همبستگی می‌توان هر آفت و بلایی را از سر میهن دور نگاهداشت که جلوهٔ بارز آن در جام ۲۰۱۸ روسیه، پاسخ سنجیدهٔ کاپیتان تیم ملی- مسعودشجاعی- به پرسش خبرنگاری بود که از موضعی تفرقه‌آمیز در مورد حضور بانوان در ورزشگاه‌های ایران پرسید که شجاعی با شجاعت و بصیرت پاسخ داد؛ «این یک مسئلهٔ داخلی است و ما این موضوعات را درون خودمان- یعنی در خانوادهٔ بزرگ ایران- حل و فصل می‌کنیم»، که این پاسخ خود می‌تواند پاسخی درخور برای بسیاری از به اصطلاح نمایندگان فرهنگی و به‌خصوص فیلمسازان ایرانی در جشنواره‌های اروپایی و آمریکایی باشدکه مطمئنا از بردن سخن خودی به اغیار، تنوری برای آنها گرم نمی‌شود مگر آنکه تمام ایران را یکسر بسوزاند!

و سرانجام درس مهم دیگری که خود مرتبط با اتحاد و خودباوری است، بازی زیبا و جوانمردانه در هر میدان است. اینکه بپذیریم همهٔ ما- چه هافبک و مهاجم و چه تشویق‌گر و طرفدار- همه یک تیم هستیم و همه در برد و باخت سهیم. در نهایت اینکه مهم نیست بازی را برده یا باخته باشیم مهم آن است که بعد از بازی جوانمردانه و منصفانهٔ ما، دلی شاد برای هواداران و خاطره‌ای زیبا و افتخارآمیز برای نسل‌های بعد به جای مانده باشد.

نقش فرهنگ بسیج در همگانی شدن حمایت از کالای ایرانی و تحقق اقتصاد مقاومتی

داود موذنیان

*** یکی از چالش‌های حیاتی کشور در سال‌های اخیر موضوع نابسامانی‌های اقتصادی است که راه برون‌رفت از این چالش، فراگیر شدن فرهنگ بسیج در بستر جامعه و ظهور و فعلیت یافتن مولفه‌ها و ویژگی‌های این فرهنگ در اقشار مختلف مردمی و همچنین جایگزین شدن روحیه جهادی به جای روحیه اشرافی و آسوده‌طلبانه است.**

در حرکت‌های اجتماعی آنچه که در نیل به مقصود تعیین‌کننده محسوب می‌شود، انبوه مردم است و در واقع توده‌های مردمی به عنوان یگانه قدرتی به حساب می‌آیند که موتور محرکه هر جنبش و حرکت اجتماعی شناخته می‌شوند. یکی از موضوعات مهم سال‌های اخیر تاکید بر حمایت از کالای ایرانی به عنوان حرکتی اجتماعی و اقتصادی است. اصل حمایت از کالای ایرانی آن هنگام می‌تواند از مرزهای شعار، خارج و تحقق عینی یافته که در قامت یک جنبش اجتماعی ظهور یابد. اما مسئله اینجاست که چه عواملی می‌توانند در تحقق این جنبش نقش‌آفرینی کنند؟

نقش نهادهای مردمی در تحقق حمایت از کالای ایرانی

در بین همه عوامل موثری که در تحقق و عینیت بخشیدن به جنبش حمایت از کالای ایرانی و اقتصاد مقاومتی می‌توان برشمرد، نقش نهادهای مردمی پر رنگ است. بسیج، گروه‌های جهادی، نهادهای مردمی، سازمان‌ها و موسسات خیریه از جمله این نهادها محسوب می‌شوند که دارای پتانسیل تاثیرگذاری در فعلیت یافتن این اصل و تبدیل آن به یک فرهنگ ملی هستند. از میان همه عوامل برشمرده، «بسیج» به دلیل ماهیت و ویژگی‌های منحصر به فردش قادر است تا بیشترین تاثیرگذاری را در مردم و تحقق جنبش‌های مردمی داشته باشد.

مفهوم بسیج

گرچه ممکن است در نگاهی تقلیلی به بسیج، آنچه که ابتدا در ذهن تداعی شود سازمان یا نیروی نظامی خاصی باشد اما «بسیج» در نگاهی عمیق‌تر نوعی ذهنیت، ایدئولوژی و فرهنگ با مختصات و معیارهای خاصی است،[۱] که سبب کنشهای متناسب با آن ایدئولوژی و فرهنگ می‌شود. هنگامی که بسیج از حد یک سازمان گروهی فراتر رود و به یک فرهنگ فراگیر تبدیل شود باعث برانگیخته شدن بخشی از جمعیت برای دستیابی به اهداف مطلوب شده، یک جنبش را پدید می‌آورد.

در واقع حقیقت مفهوم «بسیج» عبارت است از فرهنگی که بر پایه ایدولوژیک، کنش مطابق با ایدولوژی و مردمی بودن استوار است و این سه رکن، ارکان ماهوی فرهنگ بسیجی هستند.

روح ایدولوژیکی بسیج به این معنا است که تمام فعالیت‌های این نیرو خارج از یک صبغه ارزشی و ملی نیست[۲] و این صبغه ارزشی و ملی نیز چیزی جزء آموزه‌ها و ارزش‌های اسلام ناب محمدی(ص) و آرمان‌های انقلاب اسلامی نیست. بر این اساس هرگونه حرکت و الگوی رفتاری و اجتماعی که موطن آن فرهنگ بسیج باشد نمی‌تواند خارج از چهارچوب و شبکه ایدئولوژیکی تعریف شده این فرهنگ که بر اساس اسلام و فقاهت دینی است، تعریف شود و این همان کنش مطابق با ایدولوژی است.

رکن سوم ماهیت بسیج، مردمی بودن آن است، به این معنا که برخاسته از متن ملت و مردم و یک حقیقت گسترده در تمام زوایای جامعه است. به عبارت دیگر تمامی اصناف، اقشار و گروه‌های مختلف مردمی خاستگاه این فرهنگ هستند و همین خصیصه منحصر به فرد سبب به وجود آمدن بستری برای ارتباط و پیوستگی همه آحاد ملت با این فرهنگ می‌شود. ارتباطی که میتواند عامل بسط و گسترش مختصات فرهنگ بسیج در جامعه و حتی دیگر جوامع همسو باشد.

ظهور فرهنگ بسیج در سطوح مردمی

نتیجه بسط و گسترش فرهنگ بسیج، پیدایش رفتارهای جمعی و اجتماعی بر پایه پیشرو بودن در عرصه‌های اساسی و چالش‌های حیاتی کشور، توکل، شجاعت، غیرت و جسارت انقلابی، خودباوری و اعتماد به نفس، روحیه جهادی، آزادگی و پایبندی به آرمان‌ها و ارزش‌هاست. بدیهی است که یکی از چالش‌های حیاتی کشور در سال‌های اخیر موضوع نابسامانی‌های اقتصادی است که راه برون‌رفت از این چالش، فراگیر شدن فرهنگ بسیج در بستر جامعه و ظهور و فعلیت یافتن مولفه‌ها و ویژگی‌های این فرهنگ در اقشار مختلف مردمی و همچنین جایگزین شدن روحیه جهادی به جای روحیه اشرافی و آسوده‌طلبانه است. بسط این فرهنگ در بستر جامعه خود یکی از عوامل ایجاد روحیه اعتماد به نفس ملی است زیرا عنصر خودباوری و اعتماد به نفس یکی از مولفه‌های مهم فرهنگ بسیج است.

روحیه اعتماد به نفس آن هنگام که بعد ملی یابد سبب می‌شود تا مردم به تولیدات داخلی با دیده سرمایه و دارایی خویش بنگرند، همچنین کار ایرانی را به عنوان یک ارزش و توانایی خویش محسوب کنند، از این رو به کار و تولید داخلی به عنوان توانایی و دارایی خود نظر کرده، اطمینان و اعتماد دارند، هرچند در مقایسه با برخی برندها ضعیفتر باشد، اما این باعث نمی‌شود که توانایی و دارایی خویش را نادیده گرفته و حتی با روی گرداندن از آن به نابودیشان کمک کنند، بلکه سعی می‌کند تا با حمایت از آن توانایی و دارایی‌ها به رفع نقایص آنها کمک کند. در واقع هنگامی که خودباوری از یک خصیصه شخصی به یک ویژگی جمعی ارتقاء می‌یابد سبب می‌شود تا ثمرات شخصی آن نیز به بعد اجتماعی تسری یابد و این خصیصه خود سرآغازی است برای یک جنبش ملی در راستای حمایت از کالای ایرانی.

حمایت از کالای ایرانی و تولید داخلی بخش مهمی از پازل اقتصاد مقاومتی را شکل می‌دهد و قسمت زیادی از اهداف اقتصاد مقاومتی را محقق خواهد کرد، و همانگونه که پیشتر بیان شد تحقق این مهم احتیاج به ظهور اصل حمایت از کالای ایرانی در قامت یک جنبش اجتماعی دارد. جنبشی که ظهور و بروز و استدامتش متوقف بر به میدان آمدن تمامی نیروهای مردمی و انقلابی بلکه همه آحاد ملت تحت لوای فرهنگ بسیج است. اینجاست که فرهنگ بسیج به مثابه اهرمی برای فعال کردن نیروهای مردمی و پتانسیل کشور در جهت تحقق آرمان‌های انقلاب روشن می‌شود. گسترش این فرهنگ در جامعه و ظهور مولفه‌های آن در آحاد ملت قطعا همت یکایک نیروها و عناصر مومن و انقلابی و نخبگان متعهد حوزوی و دانشگاهی و نیز به میدان آمدن دستگاه‌های فرهنگی و رسانه‌ها را می‌طلبد.

ظهور فرهنگ بسیج در سطح مسئولین و نخبگان

نتیجه بسط و گسترش فرهنگ بسیج در سطوح حاکمیتی، سبب ظهور و فعلیت یافتن مولفه‌ها و ویژگیهای این فرهنگ در بدنه دولت و مدیران آن و جایگزین شدن روحیه جهادی و فرهنگ بسیج به جای روحیه اشرافی، آسوده‌طلبانه و فرهنگ غربگرا در نخبگان و مسئولین، و نیز جایگزینی الگوی اقتصاد مقاومتی که برآمده از متن آرمان‌های انقلاب اسلامی و ارزش‌های دینی جامعه اسلامی است به جای اقتصاد لیبرال در سیاست‌های اقتصادی نظام می‌شود.

فرهنگ بسیج به عنوان فرهنگی آزمون پس داده و موفق در عرصه جهاد نظامی و هشت سال دفاع مقدس اینک نیز با همان روحیه و تفکری که توانست جنگ را اداره کند می‌تواند در عرصه جهاد اقتصادی به آرمان‌های انقلاب اسلامی جامه عمل بپوشاند. همانگونه که فرهنگ بسیج در سطح مردمی و جامعه قادر است تا منجر به حرکت‌های خودجوش توده‌های مردمی برای نیل به اهداف و آرمان‌ها شود، در سطح مدیران و بدنه دولت نیز می‌تواند منشاء تحولات عظیمی به نفع انقلاب و اهدافش شود اما این مهم متوقف است بر عرصه دادن به نیروها و عناصری که جوهره آنها معروض این فرهنگ و مختصات آن گشته است.

به دیگر سخن، فارغ آمدن بر مشکلات کنونی در بُعد حاکمیتی جزء با تغییر ماهوی در دولت و بدل شدن تفکرات لیبرال سرمایه‌داری و خوی‌اشرافی و کدخدا محور به اندیشه‌های ناب اسلامی و جایگزین شدن عناصر خسته و ناکارآمدی که با تفکرات پوسیده و غربزده خویش سرشته همه مشکلات را در وادادگی به غرب می‌پندارند و دست آوردی جزء هیچ نداشتند با عناصر مخلص و انقلابی که بدون کوچکترین چشم‌داشتی به دنبال خدمت به کشور باشند میسر نمی‌شود. عناصری که سرشت آنان با فرهنگ بسیج آمیخته گشته و بی‌هیچ ادعایی تا پای جان آماده خدمت هستند. در واقع فرهنگ بسیج باید متن حرکت نظام قرار گیرد و همه مسئولین به معنای حقیقی کلمه بسیجی شوند.[۴] مخلص کلام اینکه، امروز در بعد مدیریتی و در عرصه جهاد اقتصادی احتیاج به فرماندهانی چون باکری‌ها، چمران‌ها و همت‌ها داریم چراکه مدیرانی از این سنخ خود از معرّفات و مختصات دولت اسلامی هستند.

۱- مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۹/۷؛ «بسیج یک فرهنگ است. بسیج یک ذهنیت برجسته و والا در جامعه ما است.»

۲- قدرت نرم و سرمایه اجتماعی (بسیج به مثابه سرمایه اجتماعی حقوقی)؛ دکتر محمدجواد جاوید، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.

۳- مقام معظم رهبری، ۱۳۷۴/۹/۸؛ «بسیج، یعنی متن ملت و همه آحاد مومن و یک حقیقت گسترده در تمام زوایای جامعه»

۴- مقام معظم رهبری، ۱۳۷۴/۹/۸؛ «بسیج متن حرکت نظام است. همه باید بسیجی باشند. دولت و مسئولان هم باید بسیجی باشند.»

نامه وارده

مردم «صوفیان» چشم انتظار رفع بلاتکلیفی ۲۵ ساله مالکیت اراضی

شهر صوفیان در استان آذربایجان شرقی واقع است. اراضی این منطقه بر اساس ادعای خاندان قائم‌مقام فراهانی با استناد به کپی رونوشت وقف‌نامه باقی مانده از روزگار قاجار، در سال ۱۳۶۸ در پی اجرایی شدن قانون ابطال اسناد فروش آب و رقبات موقوفه مصوب ۱۳۶۳ طی صورتجلسه‌ای به متولیان وقت موقوفات قائم‌مقام فراهانی به عنوان مزرعه واگذار می‌شود. در سال ۱۳۷۱ متولیان این موقوفات در نامه‌ای به شهرداری صوفیان، خواستار اجرای وقف در منطقه صوفیان می‌شوند و با شکایت مردم از این افراد، پرونده از این نقطه به تدریج وارد بحث قضائی می‌شود.

سال ۱۳۷۳پرونده قضائی در دادگاه اصل ۴۹ در شعبه ۲ دادگاه انقلاب تبریز تشکیل می‌شود که با توجه به آنکه رئیس این شعبه خود ناظر بر این موقوفات بوده، پس از ۴ سال بلاتکلیفی، در سال ۱۳۷۷رای دادگاه بدوی به نفع موقوفات فراهانی توسط قاضی دیگری صادر می‌شود و یکسال بعد این رای در دادگاه تجدید نظر تایید می‌شود. بالاخره در سال ۱۳۸۰عطف به اعتراضات مردم منطقه، نماینده قوه قضائیه در گزارشی ۶ بندی ضمن اشاراتی به عدم قطعیت این وقفنامه بر مالکیت مردم در این اراضی تصریح می‌کند. ۴سال بعد قاضی دیگری به‌عنوان قاضی مامور به خدمت در حوزه نظارت قضائی ویژه در گزارشی ۱۷ صفحه‌ای به نکات مهم قضائی، حقوقی، تبعات اجتماعی و اهم موضوعات پرونده اشاره کرده و نظری همسو با گزارش نماینده قوه قضائیه ارائه می‌کند. عطف به این اقدامات در سال ۱۳۸۶ رئیس وقت قوه قضائیه با پذیرش اعمال ماده ۱۸، پرونده را به شعبه هم عرض ارجاع می‌دهد و این شعبه در سال ۱۳۸۸رای خود را به ابطال وقف نامه و به نفع مردم منطقه صادر می‌کند و در سال ۱۳۹۱نیز این رای تکمیل می‌شود. در سال ۱۳۹۱ دادگاه تجدید نظر با قبول ورود خواهان ثالث به پرونده از آنجا که این اراضی را تحت تصرف غصبی حاکم وقت یعنی فتحعلی‌شاه قلمداد می‌کند، مالکیت آن را به طرف سوم (نه به موقوفات و نه مردم محلی) یعنی ستاد اجرایی فرمان امام واگذار می‌کند. سال بعد نیز با تشکیل کمیسیون ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی قانون ابطال اسناد فروش آب و رقبات موقوفه در سازمان اوقاف کشور حکم به صحت وقف‌نامه‌ها داده شده و در همان سال یکبار دیگر اعمال ماده ۱۸ برای دومین بار در دستور کار قرارگرفته و در پرونده تجویز اعاده دادرسی به استناد نظر کمیسیون ماده فقهی می‌شود.

این پرونده با زندگی و حیات اقتصادی و اجتماعی هزاران نفر از مردم آذربایجان گره‌ای تنگاتنگ دارد که سال‌هاست در بلاتکلیفی و عدم ثبات اقتصادی قرار گرفته‌اند. این مردم سال‌های متمادی در این اراضی مشغول کار و گذران زندگی بوده‌اند.

این املاک و اراضی با زمینه بهره‌برداری تجاری و کشاورزی و خدماتی و اراضی ملی و زیست محیطی متداخل در آن، البته که در نقطه سوق‌الجیشی و استراتژیک به لحاظ ارتباطی و ترانزیت کالا و خدمات دروازه‌ای برای حضور در بازار اروپا و آسیای میانه است و از سوی دیگر یک منطقه مستعد و بسیار حاصلخیز از بعد کشاورزی است که پتانسیل‌های بالقوه اقتصادی دارد.

عدم قطعیت مالکیت به مثابه سدی سترگ برای جذب سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی در این منطقه راهبردی است و با توجه به همه این نکات لازم است مسئولان در حوزه‌های قضائی و در سطوح عالی نظام با توجه به حساسیت موضوع فکری عاجل در این رابطه بیندیشند.

جمعی از اهالی صوفیان